

بازپژوهی ادله تعدد همسر از منظر فراجنسیتی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳

داود سعیدی^۱*

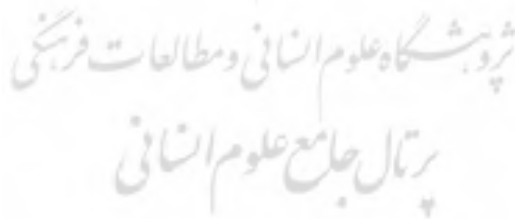
عبدالله فروزانفر^۲

چکیده

امروزه با توجه به توالی فاسد دیدگاه‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی، نقد و بررسی آنها از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مدعا و فرضیه ما در نوشتار حاضر، اثبات عمومیت و شیوع این نگاه جنسیتی در ادله تعدد زوجات است. به نظر می‌رسد نقد و تبیین این ادله به استناد مصالح نوعیه و اجتماعی بشری، با عدالت جنسیتی از سازگاری و انطباق بیشتری برخوردار باشد. تمسک به آیات مربوط به اهداف ازدواج به‌عنوان موییدی بر دیدگاه نگارندگان در تفسیر قرآن به قرآن آیه سوم سوره نساء، برای نخستین بار در این مختصر عنوان شده است. این نوشتار که به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام یافته، نشان می‌دهد که محدودترین و در عین حال، جنسیتی‌ترین دیدگاه‌ها در حوزه ادله تعدد زوجات، رویکردهای تجربی، بالأخص پزشکی و روان‌شناختی، بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها

نگاه جنسیتی، چندهمسری، مصالح نوعیه، اهداف نکاح.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. (نویسنده مسئول) دانشجوی دکتری فقه و حقوق، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. d.saeedi@yahoo.com

۲. استادیار گروه معارف دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران. a.foroozanfar@yahoo.com

مقدمه

پیشینه ادله تعدد زوجات و مسائل مرتبط، همانند عدم مطلوبیت خانواده‌های چندشوهری، سابقه‌ای طولانی داشته است. برخی متفکران غربی و مسلمان در پاسخگویی به مسئله، دیدگاه‌هایی را مطرح کرده‌اند. از منظر نگارندگان بازگشت غالب این دیدگاه‌ها به جنبه جسمی، جنسی و فیزیولوژیک زن و مرد، غیرقابل‌انکار می‌باشد (متسکیو، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۵۲۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۳۲۹؛ قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۸۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۸۷؛ مطهری، ۱۳۸۱، ص ۳۱۰؛ صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۱۶۱؛ امامی، ۱۳۹۲، ص ۷۴؛ کرمی و سجادی امین، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳). آنچه دیدگاه نویسندگان را از پژوهش‌های پیشین متمایز و برجسته می‌نماید، گزینش رویکردی فراجنسیتی به موضوع پس از اثبات ریشه جنسیتی دیدگاه‌ها با استناد به اهداف ازدواج در قرآن کریم و مصالح نوعیه بشری است. بدین بیان که رویکردهای غالب و رایج برای پاسخگویی به مسئله ادله تعدد زوجات، واکاوی و تحلیل جنسیتی یا مقابله‌ای این مسئله بوده است. در ادله تعدد زوجات، توجه در مقابل زوج و نه مکمل آن برای تشکیل نهاد مقدسی موسوم به خانواده، قرار داده شده است. جایگاه مصالح عام یا نوعیه و اهداف ازدواج، یعنی همان غایاتی که این دو انسان را به سمت تشکیل یک خانواده سوق می‌دهد، در رویکردهای مربوط به مسئله تعدد زوجات، تا به امروز خالی مانده است. بدیهی است که پرسش از حکمت و فلسفه جواز چندهمسری برای مرد^۱ و غیرمجاز بودن آن برای زن و اشکال و شبهه درباره حکم آن سابقه‌ای طولانی دارد و چنان‌که اشاره شد، به عصر حضور معصومان^(ع) و پیش‌تر می‌رسد (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۰۴)؛ لیکن چند بعدی بودن انسان لازمه بررسی ابعاد متنوع و گنجاندن میزان‌های متنوعی را (همانند مصالح نوعیه و اهداف ازدواج) در رویکردهای تبعیدی به موضوع ایجاب می‌کند. مدعا و فرضیه ما این است که دلایل تجربی علی‌رغم اینکه جنسیتی‌ترین دیدگاه در

1. Polygamy

۲. وَاِنْ خِفْتُمْ اَلْاْتْفِطُوْا فِی الْیَتَمٰی فَاَنْکِحُوْا مَا طَابَ لَکُمْ مِّنَ النِّسَاءِ مَثْنٰی وَاَنْکِحُوْا مَا طَابَ لَکُمْ مِّنَ النِّسَاءِ مَثْنٰی وَاَنْکِحُوْا مَا طَابَ لَکُمْ مِّنَ النِّسَاءِ مَثْنٰی وَاَنْکِحُوْا مَا طَابَ لَکُمْ مِّنَ النِّسَاءِ مَثْنٰی (نساء، ۳).

مسئله تعدد زوجات‌اند، به دلیل قرابت بیشتر به حواس انسان، مقبولیت بیشتری را هم در نزد عامه و هم در نظر خواص جامعه تا کنون داشته‌اند. این در حالی است که علوم پزشکی دلایل امکان و مسائل چندهمسری را فقط از بُعد فیزیکی و جنسیتی انسان، فارغ از ابعاد خانوادگی و اجتماعی آن مورد بررسی قرار می‌دهد. آنچه نگارندگان بر آن تأکید داشته‌اند، این است که به مسئله تعدد زوجات، نباید نگاهی تک‌بعدی یا مقابله‌ای از نوع جنسیتی داشت. مسئله تجویز تعدد زوجات را یک گام پیش‌تر، یعنی می‌بایست از منظر مصالح نوعیه بشری و با یک میزان دقیق‌تر، یعنی اهداف و فلسفه ازدواج، بالأخص از منظر آیات نورانی قرآن کریم، سنجد و سپس در پی پاسخ به مسئله برآمد.

نوشتار حاضر در سه مقطع، با رویکردهای متفاوتی همچون قرآنی، روان‌شناختی و بهداشت جنسی، سعی در تبیین و بازپژوهی ادله تحدید و جواز چندزنی و محاذیر خانواده‌های چندشوهری کرده است. با توجه به سؤالات مکرر برخی زنان و دختران ما در کلاس‌های درس حقوق خانواده یا ابواب فقهی، مانند نکاح و طرح چنین سؤالاتی در بین عامه مردم، اهمیت و ضرورت بازپژوهی و پرداختن مجدد به چنین موضوعاتی احساس می‌گردد.

۱. بیان مفاهیم

صلح و صلاح نیز در بسیاری از کتب لغت در مقابل فساد قرار داده شده است (قرشی بنابی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۶۱، مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۶). در برخی آیات قرآن مجید، همانند آیه دوم سوره محمد^(ص) واژه صلح به همراه مشتقات آن در مقابل سیئه قرار گرفته است.^۱ تعاریف فقها در زمینه مصلحت که در بستر احکام دینی صورت گرفته نیز، از همگرایی برخوردار است و بسیاری از آنها مصلحت را معادل منفعت و مخالف آن یعنی مفسده را به معنای ضرر دانسته‌اند. علامه حلی مصلحت را آنچه با مقاصد انسان در امور دنیوی یا اخروی

۱. وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ (محمد، ۲).

یا هر دو موافق باشد و نتیجه آن به دست آوردن منفعت یا دفع ضرری باشد، تعریف کرده است (حلی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۲۱).

آیت الله خوئی معتقد است که احکام شرعی تابع منافع و مضرات نیستند و تنها تابع جهات مصالح و مفسدات در متعلق خود می‌باشند و روشن است که مصلحت کاملاً به معنای منفعت و مفسده کاملاً به معنای ضرر نیست. از این رو، در بسیاری از واجبات، مانند زکات و خمس و حج، ضرر مالی و در جهاد، ضرر بدنی وجود دارد و در مقابل، در بسیاری از محرمات، منفعت مالی و بدنی وجود دارد که اولی تابع مصالح و دومی تابع مفسدات است (خوئی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۰۹).

غزالی در *المستصفی* بیان می‌کند که مصلحت در اصل عبارت است از جلب منفعت و دفع مضرت، لیکن مراد ما (اصولیین) از مصلحت، محافظت بر مقصود شارع است. مقصود شرع نسبت به خلق، پنج امر است؛ بدین ترتیب، حفظ دین، حفظ نفوس، حفظ عقول، حفظ نسل و حفظ اموال از مقاصد شارع است. پس آنچه متضمن و متکفل حفظ این اصول پنج‌گانه باشد، مصلحت و آنچه سبب تقویت آنها گردد، مفسده نامیده می‌شود. حفظ این اصول در حد ضرورات بوده و از لحاظ مرتبه، قوی‌ترین و بالاترین مصالح است. به عنوان مثال، شارع مقدس برای حفظ دین، فرمان به قتل کافر داده است. برای حفظ نفوس مردم، قصاص را واجب ساخته است. برای حفظ عقول مردم، شرب خمر را حرام دانسته و حدی برای آن تعیین نموده است. برای حفظ نسل و انساب مردم، کیفری برای زنا (و انواع جرایم جنسی) معین فرموده است. برای حفظ اموال مردم نیز، به مجازات و تنبیه سارقان و غاصبان فرمان داده است. بالجمله این قسم مصالح که دین و دنیای مردم به آنها بستگی دارد، ضروریه نامیده می‌شود و دو قسم دیگر به نام‌های مصالح حاجیه و تحسینییه شناخته می‌شوند. مصالح حاجیه یعنی آنچه به منظور رفع حرج و دفع مشقت از مردم همانند بیع و شراء و اجازه و رخصت در قصر نماز و روزه، مورد توجه شارع قرار گرفته‌اند. منظور از مصالح تحسینییه پیروی و

تقلید از محاسن، عادات و شیوه‌های مروت و جوانمردی است که جامع آنها مکارم‌الاخلاق نامیده می‌شود (جابری عربلو، ۱۳۶۲، ص ۱۶۱).

مصالح با توجه به شمول افراد در آن، به شخصی (فردی) و عام (نوعیه) تقسیم می‌شوند.

مصالح شخصی که عبارت است از مصالح مربوط به افراد یا گروه‌های خاص؛ در مقابل، مصالح مربوط به عموم یا بیشتر افراد جامعه است. در تعارض میان مصلحت اشخاص و مصلحت عموم، مصلحت اشخاص نادیده گرفته می‌شوند. برای مثال، اگر خانه شخصی در مسیر خیابانی قرار گیرد که وجود آن خیابان برای عموم مردم آن شهر لازم باشد، در اینجا، مصالح جامعه مقدم و منزل وی تخریب می‌شود (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۷۳۶). با توجه به تقسیم‌بندی اخیر، در برخی شرایط و اوضاع و احوال غالباً اجتماعی که مصلحت نوعیه خوانده شده‌اند، زوج در صورت رعایت شرط عدالت برای تأمین اهداف ازدواج، می‌تواند از زوجات متعددی برخوردار گردد. لیکن چون زنان با شوهران متعدد این اهداف ازدواج برایشان به‌طور طبیعی، قابل تأمین نیست، حتی در صورت شرایط خاص اجتماعی نیز از تعدد همسر منع گردیده‌اند. حال «این اهداف چه اهدافی هستند؟» سؤالی است که در بحث اهداف ازدواج از منظر آیات قرآن کریم بدان پاسخ داده می‌شود.

پیش از طرح اهداف قرآنی ازدواج، انواع چندهمسری و دلایل تجویز یا محذوریت برخی از اقسام خانواده‌ها، با استناد به مصالح نوعیه بیان می‌گردد. از بررسی تمام ادله عنوان‌شده در این حوزه از مطالعات، جنسیتی بودن آنها به‌وضوح قابل مشاهده است.

۲. تبیین نگاه جنسیتی در مسئله

منظور از نگاه جنسیتی در ادله جواز یا محاذیر چندهمسری، خاصه تعدد زوجات، این است که معایب و ایرادات را به‌تنهایی و جدا از نهاد خانواده و مصالح عام اجتماعی تصور کنیم. به بیان دیگر، از نظر نگارندگان، غالب ادله جواز چندزنی با توجه به ویژگی‌های صرفاً فیزیولوژیک و جنسیتی زنان در مقابل مردان و بالعکس در نظر گرفته می‌شوند. به‌عنوان مثال،

آناتومی بدن زنان، دارای عادات ماهیانه، عمر طولانی، بارداری و دیگر اقتضائات طبیعی هستند. حتی عامل اقتصادی و آب‌وهوای مشرق‌زمین که یکی از علل در جواز تعدد زوجات ارائه شده است، با توجه به ضعف توان جسمی زن برای کار کردن و بلوغ و پیری زودرس آنان نسبت به مردان، عنوان گردیده‌اند. تعدد فرزندان اگر با قطع نظر از مصالح عام تصور گردند، با توجه به نقش زنان در میزان مولید، از دیدگاه جنسیتی مورد نظر بوده‌اند. از طرف دیگر، مردان از نظر جسمی، جنسی و روانی با زنان دارای تفاوت‌های زیادی هستند. فزونی قوای جنسی و عمر کوتاه‌تر و ... همگی نگاه جنسیتی را در مسئله تعدد زوجات به ذهن متبادر می‌کنند.

۳. چندهمسری در اسلام و جوامع غربی

وجود رسومی چون جمع بین دو یا چند خواهر و زنان صاحب رایه، همچنین انواع قابل تحقق چندشوهری، مانند نکاح رَهط یا مخادنه و دیگر آداب خانوادگی مثل نکاح مَقْت، استبضاع، مُضامده، شِغَار، بَدَل و نکاح با کنیزان و اسیران، در جاهلیت هیچ محدوده‌ای نمی‌شناخت. برقراری عدالت بین تعدد زوجات هم در بین ایشان هیچ لزومی نداشته است و هر کدام که نزد مرد محبوب‌تر بود، وضع بهتری داشت (منتظری مقدم، ۱۳۸۴، ص ۱۳۰-۱۵۰؛ جواد، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۵۴۷). به حکم آیه سوم سوره نساء: «وَأِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً...»، با ظهور اسلام در این اوضاع و شرایط اجتماعی و خانوادگی، تعدد زوجات محدود به چهار زن و مشروط به رعایت عدالت گردید (قرطبی، ۱۴۲۷ق، ج ۶، ص ۲۴).^۱ مهم‌تر از آن اسلام همه انواع ازدواج‌های غلط و مردود جاهلی (چندهمسری یا تک‌همسری) غیر از ازدواج بعوله و مُتعه را حرام و ممنوع کرد. در جوامع غربی، ازدواج و بنابراین خانواده با تک‌همسری پیوستگی دارد. مرد یا زن قانوناً

۱. قال الضحاك والحسن وغيرهما: إن الآية ناسخه لما كان في الجاهلية وفي أول الإسلام، من أن تزويج من الحرائر ما شاء، فقصرهن الآية على أربع (قرطبی، ۱۴۲۷ق، ج ۶، ص ۲۴).

نمی‌تواند در یک زمان با بیش از یک نفر ازدواج کند. تک‌همسری معمول‌ترین سبک ازدواج در تمام جهان نیست. در یک مطالعه تطبیقی در ۵۶۵ جامعه مختلف، جرج مرداک دریافت که چندهمسری در بیشتر از ۸۰ درصد آنها مجاز بود. چندهمسری هر نوع ازدواجی را توصیف می‌کند که اجازه دهد شوهر یا زن بیش از یک همسر داشته باشد. دو نوع چندهمسری وجود دارد: چندزنی که یک مرد می‌تواند در یک زمان با بیش از یک زن ازدواج کند و چندشوهری که خیلی کمتر معمول است و زن ممکن است به‌طور هم‌زمان دو شوهر یا بیشتر داشته باشد. مرداک دریافت که تنها در چهار جامعه از ۵۶۵ جامعه‌ای که او بررسی کرده است، چندشوهری رایج بود؛ یعنی کمتر از یک درصد.

چندشوهری وضعیتی را ایجاد می‌کند که در چندزنی وجود ندارد: پدرِ خونی کودک معلوم نیست. در میان توداهای^۱ جنوب هند که فرهنگ چندشوهری وجود دارد، به نظر می‌رسد شوهران به تعیین پدرِ خونی^۲ علاقه‌ای ندارند. اینکه چه کسی پدر کودک دانسته شود، به وسیلهٔ مراسمی تعیین می‌شود که طی آن، یکی از شوهران یک تیر و کمان اسباب‌بازی به زن باردار هدیه می‌دهد. اگر شوهران دیگر بعداً بخواهند پدر شوند، این مراسم در دوران بارداری‌های بعدی، دوباره اجرا می‌شود. به نظر می‌رسد چندشوهری فقط در جوامعی وجود دارد که در فقر شدید به سر می‌برند و در آنها، کشتن نوزادان دختر^۳ رواج دارد.

در جوامع چندزنی نیز، بیشتر مردان تنها یک همسر دارند. حق داشتن چندین زن اغلب محدود به افرادی است که دارای منزلت والایی‌اند. در جایی که این‌گونه محدودیت‌ها وجود ندارد، نسبت جنسی^۴ و عوامل اقتصادی مانع چندزنی می‌شوند. بدیهی است جوامعی وجود ندارند که در آنها، تعداد زنان آن‌قدر بیشتر از مردان باشد که اکثریت مردان بتوانند بیش از

-
1. Toda
 2. biological paternity
 3. female infanticide
 4. sex ratio

یک همسر داشته باشند (گیدنز، ۱۳۸۹، ص ۴۲۷). ادله جواز چندزنی در تقابل با ممنوعیت چندشویی به نظر می‌رسند. لذا قبل از ارائه دلایل تعدد زوجات، اشاره‌ای به معایب و عدم توفیق خانواده‌های چندشوهری می‌شود.

۴. دلایل محذوریت چندشوهری

آنچه از سخنان اکثر علمای اسلامی استفاده می‌شود، این است که اشکال عمده و اساسی‌ای که چندشوهری به وجود می‌آورد و همان بیشتر سبب شده که این رسم عملاً موفقیتی نداشته باشد، اشتباه انساب است. در این نوع زناشویی، رابطه پدر با فرزند عملاً نامشخص است؛ همچنان‌که در کمونیسم جنسی نیز، رابطه پدران با فرزندان نامشخص است و همان‌طوری که کمونیسم جنسی نتوانست برای خود جا باز کند، چندشوهری نیز نتوانست مورد پذیرش یک اجتماع واقعی باشد؛ زیرا زندگی خانوادگی و تأسیس آشیانه برای نسل آینده و ارتباط قطعی میان نسل گذشته و آینده، خواسته غریزه و طبیعت بشر است (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۲۸۸-۲۹۸). در مرد تمایل به عفاف و پاکی زن وجود دارد؛ یعنی مرد رغبت خاصی دارد که همسرش پاک و دست‌نخورده باشد؛ همچنان‌که در خود زن نیز، تمایل خاصی به عفاف وجود دارد. آنچه در مرد وجود دارد، غیرت است یا آمیخته‌ای از حسادت و غیرت؛ ولی آنچه در زن وجود دارد، صرفاً حسادت است. اگر حس غیرت هم در مرد نمی‌بود که محل بذر^۱ را همیشه حفاظت و پاسبانی کند، رابطه نسل‌ها با یکدیگر به‌طور کلی قطع می‌شد. هیچ پدری فرزند خود را نمی‌شناخت و هیچ فرزندی هم نمی‌دانست پدر او کیست. قطع این رابطه اساس اجتماعی بودن بشر را متزلزل می‌کند. علاقه به حفظ نسل در زن هم وجود دارد، ولی در آنجا نیاز به پاسبان نیست؛ زیرا انتساب فرزند به مادر همیشه محفوظ است و اشتباه‌پذیر نیست (منظور این است که زاییدن از یک زن حاصل می‌شود). از اینجا می‌توان فهمید که حساسیت زن در منع آمیزش شوهر با دیگران، ریشه‌ای غیر از حساسیت مرد در این مسئله دارد. منحصر شناختن

۱. نِسَاؤُكُمْ حَرْثُ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَلَىٰ شَيْئِهِمْ وَقَدْ مَوَّالِئُكُمْ (بقره، ۲۲۳).

علت حساسیت مرد به حس حسادت که یک انحراف اخلاقی فردی است، اشتباه است؛ بلکه آمیزه‌ای از حسادت و غیرت در مرد وجود دارد. در برخی روایات^۱ نیز بدین موضوع اشاره شده است که آنچه در مردان است، غیرت است و آنچه در زنان وجود دارد، حسادت می‌باشد (مطهری، ۱۳۹۶، ص ۵۵).

تحلیل اشتباه انساب امروزه با استفاده از داده‌های آزمایشگاهی، موسوم به دی‌ان‌ای^۲، در بین متخصصان امر تنها در نفی انساب مطرح بوده و به‌طور مطلق، در بین آنان مورد پذیرش قرار نگرفته است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، این دیدگاه مرد را از منظر جنسی و روانی در مقابل زن قرار داده است.

۵. دلایل تعدد زوجات

بر خلاف اندک ادله ممنوعیت چندشویی، دلایل متفاوتی برای تعدد زوجات ارائه شده است که به‌اختصار به آنها اشاره می‌گردد. به نظر نویسندگان، از دقت در غالب ادله ارائه‌شده توسط متفکران بزرگ اسلامی و غربی، می‌توان دریافت که این ادله در مقابل جنس مخالف، بدون نظر بر مصالح نوعیه، اهداف و فلسفه نکاح، عنوان گردیده‌اند؛ در حالی که یکی از معیارهای مهم این قضیه، یعنی اهداف و فلسفه قرآنی ازدواج و مصالح نوعیه، مورد غفلت واقع شده‌اند. برخی از فلاسفه علل جغرافیایی را در این حکم دخالت می‌دهند. به عقیده آنان آب‌وهوای گرمسیری مشرق‌زمین لازمه رسم چندهمسری بوده است (منتسکیو، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۵۲۰). برخی از علما و فقهای اسلامی گفته‌اند که زنان به هنگام عادت ماهانه و قسمتی از دوران حمل، عملاً ممنوعیت جنسی^۳ دارند، در حالی که در مردان چنین ممنوعیتی وجود ندارد. علاوه بر آن، قدرت تولید در زنان^۴، در حدود سن پنجاه‌سالگی از بین می‌رود، ولی مردان تا سال‌ها پس از آن،

۱. در این باره، امام باقر(ع) می‌فرماید: «غیره النساء الحسد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۴۴۸۴).

2. DNA

۳. وَ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى فَأَعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ ... (بقره، ۲۲۲). أَنْ الْيَهُودِ كَانُوا إِذَا حَاضَتِ الْمَرْأَةُ فِيهِمْ لَمْ يَأْكُلُوا مِنْهَا وَلَا يَجَامِعُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ، فَأَسْأَلُ أَصْحَابَ النَّبِيِّ، فَنَزَلَ اللَّهُ تَعَالَى «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ... فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «اصْنَعُوا كُلَّ مَا شِئْتُمْ، إِلَّا النِّكَاحَ» (قرطبي، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۴۷۴).

۴. وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَإِنْ يَسْتَغْفِنَ خَيْرٌ لَهُنَّ... (نور، ۶۰).

از توان تولیدمثل برخوردارند و منع از چندهمسری (تعدد زوجات) موجب می‌شود که توان تولیدمثل مردان در سال‌های متمادی، بدون فایده بماند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۳۲۹؛ قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۸۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۸۷).

برای تعدد زوجات، ریشه‌های اقتصادی نیز بیان شده است و گفته‌اند که در دوران قدیم بر خلاف امروز، زن و فرزند زیاد از لحاظ اقتصادی به نفع مرد بوده است (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۳۱۰). علاقه به کثرت فرزند و توسعه نفوس فامیل نیز به نوبه خود، عامل دیگری برای تعدد زوجات بوده است. یکی از جهاتی که زن و مرد را در وضع متفاوتی قرار می‌دهد، این است که عدد فرزندی که یک زن می‌تواند تولید کند، بسیار محدود و محدود است، خواه تک‌شوهر باشد یا چندشوهر؛ اما عدد فرزندی که مردان می‌توانند تولید کنند، بسته به تعداد زنانی است که آنان در اختیار دارند (همان‌جا). دلیل دیگر برای تعدد زوجات مطابق برخی تحلیل‌ها، فزونی غریزه جنسی مردان نسبت به زنان عنوان شده است (صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۱۶۱). در روایاتی آمده است که غیرت فقط در مردان است. به همین دلیل، بیش از یک شوهر بر زن حرام است؛ ولی مرد می‌تواند چهار زن بگیرد و خداوند بزرگ‌تر از این است که زن را به غیرت مبتلا کند و به شوهر او اجازه دهد که سه زن دیگر بگیرد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۰۵). البته روایاتی وجود دارند که گویای فزونی قدرت غریزه جنسی در زنان به مقدار ده برابر مردان می‌باشد (حر عاملی، ۱۳۸۴ق، ج ۳، ص ۱۷). برخی‌ها همین دلیل را مهم‌ترین عامل تشریح حکم تعدد زوجات در اسلام معرفی کرده‌اند (امامی، ۱۳۹۲، ص ۷۴).

به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل در تعدد زوجات عنوان شده، فزونی عدد زنان بر مردان است که خود شامل پنج دلیل اصلی است:

- تولد بیشتر دختران نسبت به پسران یکی از این دلایل است. هرچند آمارها در برخی مناطق جهان نشان می‌دهد که میزان تولد دختران در آنها، بیشتر از پسران است، این عامل کلیت ندارد و نمی‌توان آن را به‌عنوان یک عامل اصلی (و به نظر ما طبیعی) برای کثرت زنان آماده ازدواج نسبت به مردان دانست. حتی در برخی

کشورها مثل ایران، به طور معمول، آمار تولد پسران بیش از دختران است (کرمی و سجادی امین، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳).

• علامه طباطبایی راجع به دلیل دوم این فزونی، یعنی زمینه فوت بیشتر مردان می‌گوید:

از شواهد این مطلب، جریانی است که در آلمان غربی به وقوع پیوست: جمعیت زنان بی‌شوهر (ناشی از جنگ) ناراحتی خود را از نداشتن شوهر اظهار داشتند و از حکومت خواستند که قانون اسلامی تعدد زوجات را به‌خاطر آنها تجویز نماید تا هر مردی که بخواهد، بیش از یک زن بگیرد و غائله محرومیت آنان بدین وسیله خاتمه یابد. ولی دولت موافقت نکرد و کلیسا امتناع ورزید و راضی شد که همان‌طور زنا شایع و نسل بشر فاسد شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۰۰).

• از دلایل فزونی جنس مؤنث بر جنس مذکر، عمر طبیعی و طولانی جنس مؤنث نسبت به مذکر و مقاومت پایین‌تر مرد در برابر بیماری‌هاست. طبیعت زن از نظر علمی بر طبیعت مرد تفوق دارد (محمدی، ۱۳۹۲، ص ۷۳).

• دلیل چهارم محدودیت دختران برای ازدواج به دلیل انتخاب‌شونده بودن و نه انتخاب‌کنندگی است.

• ازدیاد زنان آماده ازدواج عامل پنجم این فزونی مطابق برخی دیدگاه‌ها است (کرمی و سجادی امین، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷). مهم‌ترین حکمتی که بسیاری از معاصران در توجیه عقلانی چندهمسری در اسلام بیان کرده‌اند، فزونی جمعیت زنان بر مردان در جوامع مختلف است. سابقه این حکمت برای این حکم به عصر معصومان^(ع) می‌رسد. محمد ابن سنان ذیل روایتی از امام رضا^(ع)، علت فزونی تعداد زنان نسبت به مردان را بیان کرده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۰۴). شهید مطهری این علت را مهم‌ترین عامل چندهمسری می‌داند و آن را به فزونی تعداد زنان آماده ازدواج نسبت به مردان تفسیر می‌کند. ایشان برای

اثبات ادعای خود به بیان آمار مستند در این زمینه می‌پردازد. از نظر او هرچند در برخی جوامع، آمار مردان بیش از زنان است، تعداد زنان آماده ازدواج بیش از مردان آماده ازدواج است (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۳۱۹). به نظر نگارندگان، این تحلیل تنها می‌تواند برخی از فلسفه جواز تعدد زوجات باشد. مضاف بر اینکه مطابق این دلیل، می‌توان گفت که در جوامعی که تعداد مردان نسبت به زنان فزونی دارد، دیگر جواز این تعدد خالی از اشکال نخواهد بود. به نظر می‌رسد برای ارزیابی صحیح مسئله چندهمسری، می‌بایست فلسفه و اهداف نکاح از دیدگاه‌های مختلف، بررسی شوند تا مصالح نوعیه نیز با توجه به اهداف نکاح که در هر مکتبی، به‌ویژه اسلام، متفاوت از دیگری است، تفسیر گردند. بنابراین در استنباط احکام اسلامی، اگر جامعه‌ای تعداد مردان آن بیشتر از زنانش بود، دیگر نمی‌توان حکم به تعدد شوهر در یک خانواده کرد؛ چرا که اهداف ازدواج در این شکل خاص و محدود از خانواده تأمین نخواهد گردید.

۶. نقد و بررسی ادله تعدد همسران با تمسک به مصالح نوعیه و شخصیه

از اسباب و عللی که برای محذوریت چندشوهری و جواز تعدد زوجات تا بدین‌جا ذکر گردید، می‌توان به مسائل مهمی پی برد که تا به حال کمتر بدان توجه شده است. عوامل ذکر شده برای تعدد زوجات (همچون عادت ماهیانه، یائسگی و دوران حمل، عامل اقتصادی، عدد قوم) را می‌توان مصالحی شخصی، فردی و محدود تلقی کرد. از طرف دیگر، فزونی دختران و زنان نسبت به مردان به معنای فزونی زنان آماده ازدواج به هر دلیلی اعم از نرخ بالای موالید جنس مؤنث، وجود زمینه‌های بیشتر فوت مردان، عمر طبیعی زنان و محدودیت دختران برای ازدواج را می‌توان مصالح نوعی، جمعی و گسترده به شمار آورد. در شرایط تقابل بین این دو نوع مصلحت، قاعدتاً مصلحت نوعی بر مصلحت اول ترجیح دارد و مقدم می‌گردد. چنان‌که گفته شد، فزونی قوای جنسی مردان اگرچه مصلحتی نوعی به شمار می‌رود، واقعیتی عینی در خارج ندارد. نگاه دنیای غرب به ازدواج و فلسفه آن نیز قابل تأمل

است که طرح آن در مباحث بعدی خالی از فایده نخواهد بود.

۷. مصلحت نوعیه در صورت فزونی مردان آماده ازدواج نسبت به زنان

سؤال مهمی که در اینجا مطرح می‌گردد و به نظر می‌رسد از منظر مصالح نوعیه تا کنون به آن پاسخ روشنی داده نشده، این است که در صورت فزونی مردان نسبت به زنان، آیا می‌بایست حکم به تعدد شوهر کرد. هرچند آمارها در برخی مناطق جهان نشان می‌دهد که میزان تولد دختران در آنها بیشتر از پسران است، این عامل کلیت ندارد و نمی‌توان آن را به‌عنوان یک عامل اصلی (و به نظر ما طبیعی) برای کثرت زنان آماده ازدواج نسبت به مردان دانست. حتی در برخی کشورها مثل ایران، به‌طور معمول، آمار تولد پسران بیش از دختران است (کرمی و سجادی امین، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳). مهم‌ترین و قوی‌ترین دلیل بر تعدد زوجات، فزونی تعدد زنان آماده ازدواج نسبت به مردان از عصر ائمه تا به امروز عنوان شده است. در طرف مقابل، یعنی جنس مرد، تجویز چنین حکمی نه تنها سببی برای حفظ عفت و معطل نماندن قوای جنسی آنان نخواهد بود، بلکه موجبات فساد نسل بشر را هم به وجود خواهد آورد؛ اما اگر معیار مصالح نوعیه بشری در راستای تأمین اهداف ازدواج (از منظر آیات) قرار گیرد، حکم قضیه به‌روشنی به استناد آیه ۳۳ سوره نور^۱، قابل استنباط است.

۸. هدف و فلسفه ازدواج از منظر جهان غرب

توصیف هر مکتبی از انسان، بالضروره توصیه‌هایی متناسب با همان توصیف و نگرش‌ها را در پی خواهد داشت. از دیدگاه غرب، کامیابی آزادانه زنان و مردان از معاشرت‌های لذت‌بخش جنسی یک اصل است؛ به بیان دیگر، اصل، آزادی عشق است. زن و مرد نه تنها قبل از ازدواج باید از معاشرت‌های لذت‌بخش آزادانه جنسی بهره‌مند باشند، بلکه ازدواج نیز نباید مانعی در این راه به شمار آید؛ زیرا فلسفه ازدواج و انتخاب همسر قانونی اطمینان پدر است به پدری خود نسبت به فرزندی که از زن معینی به دنیا می‌آید. این اطمینان را با به کار بستن داروهای ضد آبستنی که مخصوصاً پیشرفت طب امروز آنها را به بشر ارزانی داشته است، می‌توان به

۱. وَ لَيْسَتَعْفِيفِ الْاِذْنِ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُعْطِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (نور، ۳۳).

دست آورد. بنابراین هر یک از زن و مرد می‌تواند علاوه بر همسر قانونی، عشاق و معشوقه‌های فراوانی داشته باشد. زن مکلف است در حین آمیزش با عشاق خود از داروی ضد آبتنی استفاده کند و مانع پیدایش فرزند او گردد؛ ولی هرگاه تصمیم گرفت که صاحب فرزند گردد، الزاماً باید از همسر قانونی خود استفاده کند (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۶).

۹. اهداف ازدواج از منظر بهداشت و روان‌شناسی جنسی و چندهمسری

از دقت در دلایل ارائه‌شده توسط پزشکان و روان‌شناسان درباره اهداف ازدواج، استفاده می‌شود که به اقتضای تخصصشان، بر جنبه فردی و به تعبیر ما، مصالح شخصی آن نظر داشته‌اند. لذا در استدلال به مسئله جواز یا عدم جواز چندهمسری نیز، صرفاً همین دید محدود و جنسیتی را مد نظر قرار داده‌اند. محدودیت و جنسیتی بودن این ادله به روشنی از اهدافی که آنان برای ازدواج ترسیم کرده‌اند، قابل استفاده است. برخی پزشکان معتقدند جوانان به علل مختلف که در هر فردی متفاوت است، ازدواج می‌کنند (ملاک شخصی و جنسیتی)؛ ولی روی هم رفته، هدف آنها از ازدواج سه چیز است:

- روابط دائم و همیشگی که بر پایه دلبستگی دوجانبه و عشق و رفاقت استوار است؛
- داشتن آزادی و اختیار در روابط جنسی؛
- و بالاخره تشکیل خانه و خانواده (استون و استون، ۱۳۷۱، ص ۱۲).

در مورد تفاوت جنسی بین زن و مرد، برخی بر این امر تأکید کرده‌اند که جنس مرد دارای غریزه‌ای بیدارتر، تحریک‌پذیرتر و قوی‌تر از زن است و زنان به‌طور معمول، کشش‌های غریزی کمتری دارند. ممکن است لذت جنسی در هر دو جنس در هنگام اوج بهرمندی جنسی مساوی باشد یا زنان از لذت بیشتری نیز برخوردار شوند، ولی تردیدی نیست که غریزه جنسی مرد تحریک‌پذیرتر، حساس‌تر و پُرکشش‌تر است. به‌علاوه، شمار زیادی از زنان دچار سردمزاجی‌اند و از قدرت جنسی در حد متوسط نیز برخوردار نمی‌باشند (همان، ص ۲۵۶). لذا تعدد زوجات با توجه به این دیدگاه، تأیید و محدود به چهار زن شده است. چنان‌که دیده شد، در رویکرد جنسیتی، غریزه جنسی مرد در مقابل زن قرار گرفته است.

راجع به چندشوهری نیز باید گفت که بی‌شک ارتباط جنسی می‌تواند زمینه بیماری‌ها و عفونت‌های مختلف را فراهم آورد. این احتمال در ارتباطات متعدد جنسی (چندشوهری)، بیشتر و خطرناک‌تر است (اما در تعدد زوجات، چنین احتمالاتی امکان ندارد). در این میان، زن هم به لحاظ ساختار جسمی و فیزیکی (داشتن رحم که محل تجمع ترشحات مرد است) و هم به خاطر فعل و انفعالات طبیعی رحمی (حیض، نفاس و ...)، قابلیت بیشتری برای دریافت، پرورش و انتقال بیماری‌ها و عفونت‌ها به همسر و فرزندان دارد. اسپرم می‌تواند باکتری‌ها را منتقل کند؛ باکتری‌هایی از اندام تناسلی مرد یا زن که خود را به دنباله اسپرم می‌چسبانند. باکتری‌ها با این چرخش آزاد در طی رابطه جنسی زن و مرد، نه تنها به واژن منتقل می‌شوند، بلکه وارد رحم و لوله‌های رحم می‌شوند و به وجود آورنده سلول‌های غیرایمن می‌گردند (شیبلی هاید، ۱۳۸۹، ص ۲۴۷). تک‌همسری در زنان ضمن اینکه از نظر بهداشتی، زمینه شکل‌گیری عفونت‌های خطرناک را (که به وسیله ارتباط مکرر جنسی ممکن است در زن حاصل شود) منتفی می‌کند، زمینه انتقال آن به مرد دیگر یا فرزندان را نیز منتفی می‌نماید.

از منظر روان‌شناسان، تفاوتی اساسی بین ساختار روانی و گرایش‌ها و عواطف زن و مرد وجود دارد. برخی از دانشمندان مانند مرسیه، ویل دورانت، اشمید، دونتزلان، راسل‌لی معتقدند: زنان به‌طور طبیعی «تک‌شوهرگرا» می‌باشند و فطرتاً از تنوع همسر گریزان‌اند. آنان خواستار پناه یافتن زیر چتر حمایت عاطفی و عملی یک مرد می‌باشند. بنابراین تنوع‌گرایی در زنان نوعی بیماری است. ولی مردان ذاتاً تنوع‌گرا «چندزن‌گرا» هستند. دکتر اسکات می‌گوید: مرد اساساً چندهمسرگراست و توسعه تمدن این چندهمسرگرایی طبیعی را توسعه بخشیده است (Hashemian, 2020, P.12؛ اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۶۹۲). به نظر می‌رسد قانون تک‌همسری غرب چیزی جز چندهمسرگرایی بی‌ضابطه و مسئولیت‌گریزانه نیست؛ اما اسلام توانست در قالب چندزنی بهنجار خود، عملاً تک‌همسری را حفظ کند. رابرت ا. هیوم می‌نویسد: برخی از محققان معقول، نشان دادند که حضرت محمد (ص) روی هم‌رفته،

موقعیت زنان را ارتقا بخشید و به آنها مرتبه‌ای از آزادی اقتصادی داد که هنوز در پاره‌ای از کشورهای غربی یا به اصطلاح مسیحی، تا آن حد به زنان، آزادی اقتصادی داده نشده است و برای چندهمسری نامحدود - که تا آن زمان به دلخواه انجام می‌شد - حد و مرزی مقرر داشت که بسیار لازم و نافع بود. رسم دخترگوشی را، که در عربستان آن روز کاملاً رواج داشت، به کلی برانداخت و بالاخره اینکه حکم تعدد زوجات را تنها در صورتی مجاز دانست که شوهر بتواند با تمامی همسران خود با عدالت کامل رفتار کند و عملاً تک‌همسری را رواج داد (هیوم، ۱۳۸۵، ص ۳۰۶).

۱۰. اهداف ازدواج از منظر آیات

به نظر می‌رسد دلایل چندهمسری اعم از تعدد زوجات و محذوریت چندشوهری را با توجه به مصالح نوعیه در جهت تأمین اهداف و فلسفه ازدواج از منظر قرآنی باید ارزیابی کرد. انسان به عنوان مخلوق خداوند متعال، برای تشکیل خانواده دارای اهدافی است؛ اهدافی که خالق انسان برای این نهاد مقدس بیان کرده است، دارای اهمیت هستند. به طور کلی، در قرآن کریم می‌توان چهار هدف اساسی برای نکاح تبیین کرد.

۱۰-۱. عفت و پاکدامنی

در برخی آیات، به مسئله عفاف و پاکدامنی اشاره شده است: «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا» (نور، ۳۳) یا «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره، ۱۸۷).

لغت «وَلْيَسْتَعْفِفِ» از عفت گرفته شده و به معنی پاکدامنی است. کسانی که نمی‌توانند ازدواج کنند، باید عفت را رعایت کنند. از آیه استفاده می‌شود که فلسفه ازدواج به وجود آوردن عفت و پاکدامنی در زن و شوهر و پیشگیری از بی‌عفتی است، پس اگر نتوانستند عفت را از راه ازدواج به دست بیاورند، بکوشند تا در خود از طریق صبر، عفت بیافرینند (قبله‌ای خوبی، ۱۳۸۹، ص ۴۴). همچنین در آیه ۱۸۷ سوره بقره آمده است که آنان (زنان) لباس شما (مردان) هستند و شما لباس آنان. منظور از لباس معنای معروف آن است؛ یعنی همان چیزی که انسان بدن خود را با آن می‌پوشاند و چون هر یک از زن و شوهر دیگری را از عمل نامشروع حفظ کرده، مانع شیوع آن بین افراد نوع می‌شود، گویا پوشاکی است که

عورت و زشتی‌های او را می‌پوشاند و این خود استعاره لطیفی است؛ زیرا عورت انسان به وسیله لباس از دیگران پوشیده می‌شود، ولی از خود لباس مستور نمی‌گردد. همچنین هر کدام از زن و شوهر دیگری را از آمیزش با دیگران نگاه می‌دارد، ولی مانع از آمیزش با خودش نمی‌شود؛ چون لباس اوست و به تنش چسبیده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۴). تعبیر محصن و محصنه نیز به معنای سنگر، به آن جهت است که زن و مرد دارای همسر به وسیله یکدیگر، از وسوسه شهوات خویش، در درون سنگری قرار گرفته که به آسانی قابل دسترسی نمی‌باشد.

ارزیابی هدف عفت و پاکدامنی با ادله تعدد همسران: قدر مسلم این است که چندشوهری با توجه به تضییق بهره‌مندی تمتع جنسی چند شوهر از یک زن، مغایر با هدفی همچون عفت و پاکدامنی طرفین و خصوصاً شوهران یک زن است. حال چنانچه دلایلی مانند عادت ماهانه، حاملگی و یائسگی را هم به این قضیه اضافه کنیم، مسئله از نظر خویشتنداری جنسی شوهران چگونه خواهد بود؟ اما دلایل جواز تعدد زوجات، مانند عامل محیطی، ربطی به قضیه عفت و پاکدامنی ندارد. عادت ماهانه، دوره یائسگی و حاملگی هم ارتباط مستقیمی با هدف پاکدامنی ندارند؛ مگر اینکه گفته شود این مصالح فردی به دلیل ممنوعیت شوهر از تمتع جنسی، باعث لغزش و بی‌عفتی او می‌گردند که در مقابل مصالح نوعی، قدرت ایستادگی ندارند. عوامل اقتصادی و فزونی عدد و عشیره قاعدتاً دخالتی در موضوع حفظ پاکدامنی و عفت ندارند. فزونی قدرت جنسی مردان هم نسبت به زنان دارای این ایراد اساسی است که اگر منظور قدرت جنسی نوع مردان باشد و نه صرفاً تحریک‌پذیری (که اساساً همین مراد است)، قاعدتاً باید به‌ازای هر مردی (چون نوع مردان منظور است نه مثل فزونی نسبی دختران) چند زن وجود داشته باشد که در بخش نرخ موالید دختران، آمارها گویای خلاف این مسئله بودند. به‌علاوه، در برخی کشورها مثل ایران، به‌طور معمول، آمار تولد پسران، بیش از دختران است (کریمی و سجادی امین، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳).

به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیلی که با این هدف و فلسفه ازدواج قابل تطبیق است، فزونی تعدد زنان به معنای زنان آماده ازدواج است. به این دلیل که عامل‌هایی مانند نرخ موالید

دختران، زمینه‌های فوت در مردان، محدودیت ازدواج برای دختران و حتی عمر طبیعی زنان، با توجه به از بین رفتن قوای جنسی آنان در سنین بالا، متغیرهایی وابسته به مصالح عمومی جامعه، یعنی مصلحت نسل، به شمار می‌روند. فزونی زنان و دختران آماده ازدواج هم به دلیل مناسبت با حفظ عفت و پاکدامنی ایشان است. «مصلحت نسل» به حکم ثانویه و با رعایت عدالت، مقتضای جواز تعدد زوجات است. علاوه بر این، چنانچه دقت شود، دلایل جواز تعدد زوجات همانند زمینه‌های فوت مردان، محدودیت ازدواج برای دختران و حتی عمر طبیعی زنان را می‌توان به هدف و فلسفه پاکدامنی و عفت زنان و دختران ارجاع داد.

۲-۱۰. سکون و آرامش

قرآن می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم، ۲۱): و از نشانه‌های او آن است که از جنس خودتان، همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میان شما و همسرانتان علاقه شدید و رحمت قرار داد؛ بی‌شک در این (نعمت الهی) برای گروهی که می‌اندیشند، نشانه‌های قطعی است؛ یا «وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...» (اعراف، ۱۸۹): «جفت وی را از او پدید آورد تا به آن آرام گیرد». همسر مایه آرامش جسم و روان است. لذا همسر باید عامل آرامش و نه مایه تشنج و اضطراب باشد. هدف از ازدواج تنها ارضای غریزه جنسی نیست؛ بلکه رسیدن به یک آرامش جسمی و روانی غایت ازدواج است. خداوند در آیه ۱۸۹ سوره مبارکه اعراف می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...»: «او خدایی است که شما را از نفس واحدی آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید...». به باور ابومسلم، این یکی از نعمت‌های گران‌بهاست که از نوع انسان برای او همسر آفرید؛ چرا که

۱. «الزانية والزانی فأجلدوا...» (نور، ۲). برخی از مفسران درباره علت تقدم کلمه زانیه قبل از کلمه زانی در آیه شریفه ۲ سوره نور و کلمه السارق قبل از السارقه (مانده، ۳۸)، گفته‌اند: نقش زنان در ایجاد روابط نامشروع و فراهم آوردن مقدمات آن از مردان بیشتر است؛ بر خلاف دزدی که نقش مردان بیشتر است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۱۴۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۳۷۵) و بعضی دیگر می‌گویند: اگر زن زناکار را جلوتر از مرد زناکار ذکر کرده، برای این است که این عمل از زنان شنیع‌تر و زشت‌تر است و نیز برای این بوده که شهوت در زنان قوی‌تر و بیشتر است (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۱۲۴).

انسان به هم‌نوع و هم‌شکل خود، گرایش و دلبستگی بیشتری دارد (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۳۴). آرامش و سکنا جنبه‌های جسمی، روانی، فردی و اجتماعی را هم در بر می‌گیرد. بیماری و جرایم جنسی، که به‌علت ترک ازدواج ممکن است پیش بیاید، غیرقابل‌انکارند. عدم تعادل روانی که بسیاری از جوانان به‌دلیل عدم امکان ازدواج با آن دست به‌گریبان هستند، کم‌وبیش بر همه روشن است. از منظر اجتماعی، افراد مجرد کمتر احساس مسئولیت می‌کنند. به همین دلیل، انسانی که از مرحلهٔ مجرد گام به مرحلهٔ زندگی مشترک می‌گذارد، شخصیت تازه‌ای به خود می‌گیرد و احساس مسئولیت بیشتری هم می‌کند.

ارزیابی هدف سکون و آرامش با ادلهٔ تعدد همسران: سؤال این است که آیا چندشوهبری می‌تواند ضامن آرامش جنسی و روانی چنین خانواده‌هایی باشد یا اختلاف و آماجی از تنش‌ها را، خصوصاً بین شوهران زن، بر خانواده تحمیل خواهد کرد. در بحث دلایل جواز تعدد زوجات، عوامل محیطی، عادت ماهیانه، یائسگی، عامل اقتصادی و فزونی عدد و عشیره ارتباطی به مسئلهٔ آرامش پیدا نمی‌کنند. فزونی قوای جنسی مردان نیز به‌خاطر دلیلی که در ارزیابی مسئلهٔ عفت بیان شد، فاقد اعتبار لازم است. به نظر می‌رسد همان دلیل فزونی عدد زنان بر مردان به معنای فزونی دختران و زنان آمادهٔ ازدواج در مسئلهٔ آرامش (فردی و جنسی) دختران و زنان جامعه و همچنین نسبت به پیشگیری از ناهنجاری و آسیب‌های اجتماعی (آرامش اجتماعی) کارساز باشد. باید اضافه کرد که با تعدد زوجات و زیادی فرزندان، تنها نیاز جنسی مرد و زنان وی به آرامش و سکون می‌انجامد؛ لیکن تأمین معاش و رعایت عدالت نسبی بین همسران، به همان نسبت، محل آرامش جسمی و به تبع آن، آرامش روحی و روانی مرد خانواده خواهد گردید.^۱

۳-۱۰. ارضای غریزهٔ جنسی

خداوند در برخی آیات، به مسئلهٔ ارضای صحیح نیاز جنسی اشاره می‌کند: «وَالَّذِينَ هُمْ

۱. علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: الْمَرْأَةُ شَرُّ كَلْبًا، وَ شَرُّ مَا فِيهَا، أَنَّهُ لَا بُدَّ مِنْهَا؛ زن و زندگی همه‌اش زحمت و دردسر است؛ زحمت‌بارتر اینکه چاره‌ای جز بودن با او نیست. در فارسی ضرب‌المثلی هست که می‌گویند: زن و فرزند دردسر است و بی‌دردسر هم نمی‌شود زندگی کرد؛ یعنی ازدواج مسئولیت‌آور است (دشتی، ۱۳۸۶، ص ۴۹۳).

لَفِرَوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» (مؤمنون، ۶۵): «و آنان که فروج و اندامشان را از عمل حرام نگاه می‌دارند، مگر بر جفت‌هایشان که زنان عقدی آنها باشند یا کنیزان ملکی و متصرفی آنها که هیچ‌گونه ملامتی در مباشرت این زنان بر آنان نیست». از آنجا که غریزه جنسی سرکش‌ترین غرایز انسان است و خویشتن‌داری در مقابل آن، نیاز به تقوی و پرهیزکاری فراوان دارد، خداوند در این آیه بر این مسئله تأکید کرده و در ادامه همین آیات می‌گوید که هرکس غیر از طریق ازدواج را جهت بهره‌گیری جنسی طلب کند، تجاوزگر است. این طیف از آیات به نیاز غریزی جنسی اشاره دارد که به رغم ممنوعیت شرعی، مردم به سوی آن کشیده می‌شوند. البته این امر نمی‌تواند انگیزه اصلی و هدف نهایی ازدواج باشد؛ زیرا غریزه جنسی در زن و مرد، دوره محدودی دارد و اگر غرض از ازدواج فقط این جهت باشد، باید زوجین هنگام ناتوانی جنسی، یکدیگر را رها کنند یا زن و مردی که توان جنسی خویش را از دست داده‌اند، هیچ‌گاه پیمان زناشویی نبندند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱۴، ص ۱۹۸؛ حمدی و حسن‌پور، ۱۳۸۸، ص ۱۰۲ و ۱۰۳).

ارزیابی هدف ارضای غریزه جنسی با ادله تعدد همسران: ارضای غریزه جنسی در فرض چندشوهری با مشکلات عدیده‌ای روبروست. یکی از آنها که به عفت و پاکدامنی مردان مربوط می‌شد، در بخش ارزیابی نخستین، بیان گردید. در بخش ارزیابی فلسفه عفت گفته شد که عدم تأمین نیاز جنسی شوهران متعدد به وسیله یک زن، شوهران زن را به روابط نامشروع سوق خواهد داد. نکته مهم دیگری که در اینجا قابل ذکر به نظر می‌رسد و پیش از این مورد توجه قرار نگرفته، این است که تأمین صحیح، کامل و هم‌زمان زناشویی برای چند مرد در فرض خانواده‌های چندشوهری، عملاً امکان‌پذیر نخواهد بود. بعضی از مفسران با بی‌توجهی به ارتباط معنایی که در سیاق آیه ۲۲۳ بقره مستتر است، از تعبیر «فَاتُوا حَرَثَكُمْ أَنِي شِئْتُمْ» (بقره، ۲۲۳)، این‌گونه استفاده می‌کنند که مراد از مقاربت اعم از راه فرج یا غیر فرج است، ولی برخی مفسران معتقدند: قرآن کریم از زنان در این آیه به «کشزار» تعبیر نموده و به پرورش و ازدیاد نسل ترغیب فرموده است و لذا نمی‌توان این تعبیر «حَرث» را به

آمیزش غیر طبیعی حمل نمود (مستقیمی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷). اگر هدف از ازدواج تنها ارضای غریزه جنسی باشد و نه تولید نسل، آیا این هدف از نکاح، راه طبیعی و صحیح مقاربت جنسی را تغییر داده و هرگونه استمتاعی، ولو غیرطبیعی را مجاز خواهد کرد؟^۱ از دقت در دلایل جواز تعدد زوجات نیز، به این نتیجه می‌رسیم که غالب ادله ارائه‌شده در مسئله، به غیر از دلیل فزونی زنان و دختران آماده ازدواج، ارتباط یقینی و اطمینان‌بخشی با بحث جواز تعدد زوجات ندارند. عوامل محیطی، اقتصادی، زیادی قوم و قبیله، هیچ ارتباطی به تأمین غریزه جنسی پیدا نمی‌کنند. تنها عادت ماهانه و یائسگی زنان و دختران و همچنین در صورت پذیرش دلیل فزونی قدرت جنسی مردان در مقابل زنان، مردان از نظر تأمین نیاز جنسی، در

۱. حکم نزدیکی از پشت (دُبر) چه در حال حیض و چه در زمان پاک‌ی زنان، بنابر فتوای اکثر مراجع عظام، کراهت شدید و عدم جواز است (seraj.ir). عوارض جسمی و روانی که مجامعت از طریق مقعد (پشت/ دُبر) برای زن و مرد در بر دارد، عبارت است از:

الف. چون لذت حقیقی جنسی برای زن از طریق مقاربت از فرج و مجرای تناسلی حاصل می‌شود نه از طریق مقعد، بنابراین زن دچار سردمزاجی و بی‌میلی جنسی می‌شود و در آینده نزدیک، خود را موجودی می‌یابد که وسیله دفع شهوت شده است که خودش نباید از این عمل خدادادی لذتی ببرد.

ب. زن در این نوع ارتباط، دچار درد بسیار شدیدی خواهد شد که گاه تا مدتی امکان راه رفتن درست را از او خواهد گرفت. ضمن اینکه این درد فراوان هیچ لذتی از این رابطه جنسی برای او باقی نخواهد گذاشت.

ج. از آنجا که ساختمان مقعد طوری است که ظرفیت پذیرش آلت مرد را ندارد (بر خلاف واژن یا فرج که خاصیت ارتجاعی و لغزنده دارد) و هر لحظه امکان آسیب‌دیدگی ماهیچه حلقوی (اسفنکتر) دهانه مقعد و حتی پارگی آن وجود دارد، زن گرفتار درجاتی از بی‌اختیاری مدفوع شده، نیازمند جراحی و عوارض بعدی می‌شود.

د. مقعد محل ذخیره فضولات دستگاه گوارش (مدفوع) است که حاوی میکروب‌ها فراوانی است. در اثر مالش و دخول آلت مرد، این میکروب‌ها می‌توانند وارد دستگاه تناسلی مرد شده، او را به عفونت‌های خاصی مبتلا کنند؛ در حالی که مقاربت از راه واژن یا فرج چنین عوارضی به همراه ندارد.

ه. مخاط مقعد بسیار ظریف و نازک است و احتمال پارگی و انتقال ویروس ایدز از طریق آن به داخل خون زیاد است و حتی یکی از علل شیوع ایدز در غرب از طریق جنسی، لواط و مقاربت از طریق مقعد است.

و از آنجا که دهانه مقعد دارای ماهیچه‌ای حلقوی است، مانند یک کش محکم دور آلت مرد را گرفته و در لحظه خروج منی، مانند یک سد عمل می‌کند و در اثر این عمل، احتمال پس زدن منی به عقب و فشار به کیسه‌های منی و غده پروستات و عوارض ناشی از آن خیلی زیاد است (همان‌جا).

محدودیت و مضیقه قرار خواهند گرفت. از طرف دیگر، کثرت تعداد زنان نسبت به مردان به هر دلیلی، اعم از نرخ مولید دختران، میزان فوت مردان، عمر طبیعی زنان، محدودیت ازدواج برای زنان و دختران و در نهایت فزونی زنان و دختران آماده ازدواج، دلیلی است که جنس مؤنث را از نظر تأمین غرایز شهوانی در مضیقه قرار خواهد داد. با توجه به ادله بیشتر در جانب مصلحت عامی مانند حفظ نسل، به نظر می‌رسد تأمین نیاز جنسی زنان و دختران آماده ازدواج به هر سببی که تصور گردد، در این مورد نیز، لازمه ترجیح همین مصالح عام‌تر بر مصالحی‌اند که نوعاً از اهمیت کمتر و محدودتری برخوردارند. عواملی مثل فزونی قوای جنسی نوع مردان، نیازمند کثرت تعدد زنان به نسبت هر یک مرد است که در واقع برای هر مردی محال است و رُخ نمی‌دهد؛ مگر منظور از قوت جنسی مردان، تحریک‌پذیری زود هنگام آنان در هنگام مقاربت باشد که در حوزه بهداشت و روان‌شناسی جنسی جای دارد و ارتباطی هم به مسئله جواز تعدد زوجات پیدا نمی‌کند.

۴-۱۰. توالد و تناسل

قرآن کریم می‌فرماید: «از خودتان برای شما زوج‌هایی پدید آورد و از چهارپایان نیز جفت‌ها بیافرید، شما را در این (زوجیت) تکثیر می‌کند (شوری، ۱۱). همچنین می‌فرماید: «ای مردم، از پروردگارتان که شما را از یک تن آفرید و همسرش را از او آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری را منتشر ساخت» (نساء، ۱). نیز آمده است: «خداوند برای شما از خودتان همسرانی، قرار داد و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی پدید آورد» (نحل، ۷۲). همچنین آمده است که «زنان شما محل بذرافشانی شما هستند، پس هر زمان بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید و [سعی کنید از این فرصت بهره‌گرفته و با پرورش فرزندان صالح] اثر نیکی برای خود از پیش بفرستید» (بقره، ۲۲۳).^۱

۱. «جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُوكُمْ فِيهِ...» (شوری، ۱۱)؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...» (نساء، ۱)؛ «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً...» (نحل، ۷۲)؛ «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ» (بقره، ۲۲۳).

«حرث» مصدر است و به معنی زراعت آمده و گاهی به زمینی گفته می‌شود که در آن زراعت می‌شود. «أَنْثَى» از اسمای شرطیه است و در زمان استعمال می‌شود و گاهی به معنی مکان^۱ نیز آمده است. واژه «أَنْثَى» در آیه مورد نظر، اگر به معنی زمان باشد، «أَنْثَى سِتُّم» یعنی هر وقت خواستید و اگر به معنای مکان باشد، یعنی هر جا که خواستید و مقید به مکان خاص نیست. این قسمت از آیه شریفه که می‌فرماید: «وَقَدْ مَوَّأَ لَأَنْفُسِكُمْ» یکی از حکمت‌های مشروعیت نکاح را بیان می‌کند و در حقیقت، اشاره به این نکته است که هدف نهایی از نکاح تنها لذت و کامجویی نیست؛ بلکه پرورش فرزندان صالح و شایسته است و به این ترتیب، قرآن کریم به اهل ایمان توصیه می‌کند که نکاحتان باید برای به وجود آوردن فرزندان صالح و شایسته باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۱۲). به نظر می‌رسد دلیل تجویز تعدد زوجات یکی از مصالح نوعیه بشری، یعنی مصلحت نسل بوده است که در جهت تأمین این طیف از اهداف نکاح می‌بایست تفسیر شود. جایگاه آیات مربوط به اهداف نکاح در مسئله تبیین تعدد زوجات و محدودیت‌های آن یا دیگر قالب‌های خانوادگی، پیش از این در هیچ‌یک از تفاسیر ادله جواز تعدد زوجات ارائه نشده است.

ارزیابی هدف توالد و تناسل با ادله تعدد همسران: علت اساسی شکست خانواده‌های چندشوهری در جامعه بشری، مسئله اشتباه انساب عنوان شده است. حال اگر با پیشرفت علم و آزمایش‌های دقیق ژنتیکی موسوم به «دی‌ان‌ای»، انتساب بچه به یکی از شوهران مشخص گردد، در پاسخ به این مسئله چه جوابی می‌توان عرضه کرد؟ با دستیابی بشر به تکنیک‌های جدید، امکان استفاده از ابزار علمی در حوزه علوم انسانی نیز فراهم آمده است. آزمایش «دی‌ان‌ای» یکی از ابزارهایی است که با دقت بسیار بالا به کمک ادله اثبات نسب آمده و شاید روزی فرا رسد که به‌عنوان قوی‌ترین دلیل از جهت قدرت اثباتی در مخاصمات و دعاوی نسب، مورد استفاده قرار گیرد. از نظر علمی، قدرت اثباتی آن در مواردی که هیچ‌گونه

۱. مانند آیه ۳۷ سوره آل عمران که می‌گوید: «يَا مَرْيَمُ أَنْتِ لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» یعنی ای مریم، این از کجا برای تو آمده است؟ گفت: از جانب خدا.

ناسازگاری ژنی میان پدر احتمالی و فرزند وجود ندارد، ۱۰۰ درصد و در سایر موارد، تا حدود ۹۹/۹۹ درصد عنوان شده است که این میزان نیز با توجه به اینکه غالباً چنین نزدیکی ژنی میان دو فرد بیگانه وجود ندارد، می‌تواند ملاک پذیرش نسب قرار گیرد (طبایی، ۱۳۹۱، ص ۲۰).

با منتفی شدن مسئله اشتباه انساب، آیا تفسیر مناسبی که بیانگر وجوهی از معنای اشتباه انساب باشد، وجود خواهد داشت؟ اشتباه از ریشه شُبْهه و مصدر باب افتعال به معنای مانند شدن^۱ من مانند چیزی شدن، چیزی را به غلط عوض چیزی گرفتن، پوشیده و نهفته ماندن آمده است (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۶۰۰؛ معین، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۵۶). در برخی کتب صرفی برای باب افتعال، شش معنا ذکر شده است: مطاوعه (یعنی اثرپذیری)، مشارکت، اتخاذ، طلب، کوشش و یک معنای ثلاثی مجرد (طباطبایی، ۱۳۹۶، ص ۹۶؛ شرتونی، بی تا، ص ۲۰).^۲ به نظر می‌رسد آنچه در بحث چندشوهری مراد است، همین معنای مشارکت در آمیختن نطفه‌ها باشد که با مشارکت آنها، عملاً پدر واقعی مشتبه می‌شود و تشخیص آن دچار شبهه می‌گردد. با منتفی بودن معنای مشارکت، به نظر می‌رسد معنای نخستین این باب، یعنی مطاوعت و اثرپذیری نطفه‌ها از مانند شدن، بار معنایی دیگر خویش را هنوز دارا باشد. به این صورت که نطفه‌ها در نتیجه اختلاط، اثراتی را می‌پذیرند که هنوز از نظر علمی به اثبات نرسیده است؛ کما اینکه برخی متشرعین همین معنا را بعد از تشخیص نسب به وسیله آزمایش دی‌ان‌ای ذکر کرده و آن را از حکمت‌های این مسئله به شمار آورده‌اند. یک معنای دیگر هم که به نظر نگارندگان می‌رسد پیش از این مورد توجه قرار نگرفته، این است که آمیزش کامل و از راه صحیح در یک مقاربت جنسی برای خانواده‌های چندشوهری، عملاً برای شوهران

۱. یقال: اشتبها؛ إذا أشبه كل واحد منهما الآخر حتى التباسا (صفی‌پور، ۱۳۹۶، ج ۱).

۲. وزن «افتعل» یكون غالباً لمطاوعه فعل نحو «جمعتهم فاجتمع» و قید یأتی وزن افتعل لإتحاذ الفعل من الإسم نحو «اختبر» ای إتحاذ الخبز وللمبالغه نحو «إكتسب» ای بالغ فی الكسب. وقد یكون بمعنی المجرد نحو «اجتذب» بمعنی الجذب. و ربما جاء للمشاركه نحو «إختصم القوم» ای تخاصموا. وللطلب نحو «اكتد فلان فلاناً» إذا طلب منه الكد (شرتونی، بی تا، ص ۲۰).

متعدد یک زن، امکان‌پذیر نبوده. بنابراین آمیزش یک شوهر، آمیزش دیگر مردان را هم از نظر فیزیکی و جنسی و هم به لحاظ روانی، تحت تأثیر و شبهه قرار خواهد داد. اختلافات، دعاوی خانوادگی و حقوقی راجع به انتساب فرزند به یکی از مردان نیز از دیگر تبعات قضیه خواهند بود. از همه اینها گذشته، پذیرش روانی فرزند توسط پدر واقعی او و اطمینانی که پدر در خانواده تک‌همسری یا چندزنی از وجود فرزند خویش و نیز فرزند از وجود پدر خود دارد، همچنین رفتارهای اجتماعی مردم با چنین فرزندان، همه و همه متغیرهایی هستند که باید در ابعاد گوناگون اشتباه انساب، لحاظ گردند.

راجع به دلایل جواز تعدد زوجات، آنچه در اهداف پیشین نکاح گفته شد، در اینجا هم جاری است و از بیان مجدد آنها به منظور پرهیز از اطاله کلام، خودداری می‌گردد.

یافته‌های پژوهش

از آنچه در این مختصر گذشت، می‌توان نتیجه گرفت که اکثر ادله ارائه شده در تجویز تعدد زوجات، رویکردی جنسیتی و مقابله‌ای به مسئله داشته‌اند. محدودترین و در عین حال، جنسیتی‌ترین دیدگاه‌ها در حوزه ادله تعدد زوجات، رویکردهای تجربی بالأخص پزشکی و روان‌شناختی بوده‌اند. تعدد زوجات به لحاظ مشروط بودن به رعایت عدالت و اوضاع و احوال خاص اجتماعی، حکمی اولیه مطابق با قانون تک‌همسری به نظر نمی‌رسد. مصالح نوعیه، که از آن به منافع اجتماعی و جمعی در مقابل منافع شخصی و فردی هم تعبیر می‌شود، می‌تواند تأمین‌کننده نسبی اهداف نکاح در شرایط فزونی جمعیت زنان بر مردان باشد. در وضعیت فزونی جمعیت زنان نسبت به مردان، اهداف ازدواج، یعنی عفت، آرامش، تأمین غریزه جنسی و تناسل، با استفاده از حکم تعدد زوجات، به میزان قابل توجهی، هرچند کمتر از وضعیت تک‌همسری تأمین می‌گردد. اما در شرایط عکس قضیه، یعنی فزونی جمعیت مردانی که قادر به ازدواج هستند، دیگر این اهداف، اعم از عفت، آرامش، تأمین غریزه جنسی و تناسل، به شدت تحت تأثیر قرار گرفته، مختل می‌گردد. به نظر می‌رسد که استفاده از اهداف نکاح هم در فلسفه تعدد زوجات و هم در تفسیر آیه سوم سوره نساء، پیش

از این کمتر مورد توجه بوده است. از این رو، پیشنهاد می‌گردد رویکرد مصلحت اجتماعی که تأمین‌کننده اهداف زناشویی (از منظر آیات قرآن کریم) است، در فلسفه تعدد زوجات، جایگزین رویکرد جنسیتی و مقابله‌ای به مسئله گردد. علاوه بر این، هرچند تحلیل اشتباه انساب امروزه با استفاده از داده‌های آزمایشگاهی موسوم به دی‌ان‌ای در بین متخصصان امر، تنها در نفی انساب مطرح بوده و به‌طور مطلق در بین آنان مورد پذیرش قرار نگرفته است، با توجه به جنسیتی بودن ادله عنوان‌شده برای فلسفه تعدد زوجات و ضعف آنها، تحلیل مصلحت نوعیه برای تأمین اهداف زناشویی در مقابل دلایل دیگر، به واقع نزدیک‌تر است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۵ق). *علل الشرایع*. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- اتکینسون، ریتا و همکاران (۱۳۸۹). *زمینه‌های روان‌شناسی هیلگارد*. ترجمه رضا زمانی و همکاران. تهران: انتشارات رشد.
- استون، ابراهام و استون، هانا (۱۳۷۱). *پاسخ به مسائل جنسی و زناشویی*. ترجمه دکتر طرازاله اخوان. تهران: نشر کلینی.
- امامی، مسعود (۱۳۹۲). *فلسفه حکم تعدد زوجات*. پژوهش‌نامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، (۱)، ص ۵۹-۸۰.
- حر عاملی، محمد ابن حسن (۱۳۸۴ق). *وسایل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۳ق). *معارج الأصول*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حمدی، کریم و حسن‌پور، پیمان (۱۳۸۸). «بررسی پیامدهای فرهنگی - اجتماعی ازدواج از دیدگاه کارشناسان قوه قضائیه و راهکارهای مناسب در تهران». *مجله جامعه‌شناسی معاصر*، (۴)، ص ۹۷-۱۲۰.
- جابری عربلو، محسن (۱۳۶۲). *فرهنگ اصطلاحات فقه فارسی*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- جواد، علی (۱۴۱۳ق). *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*. بغداد: نشر جامعه.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). *المحاضرات فی علم الأصول*. به تقریر اسحاق فیاض. نجف: مطبعه نجف.
- دشتی، محمد (۱۳۸۶). *ترجمه نهج‌البلاغه*. تهران: انتشارات پیام عدالت.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵). *فرهنگ دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- شرتونی، رشید (بی‌تا). *مبادی العربیه*. ج ۴. قم: مؤسسه المطبوعات دار العلم.

- شیبلی هاید، جانث (۱۳۸۹). روان‌شناسی زنان؛ سهم زنان در تجربه بشری. ترجمه دکتر اکرم خمسه. تهران: آگه.
- صدر، محمد (۱۴۲۰ق). *ماوراء الفقه*. بیروت: دار الأضواء.
- صفی‌پور، عبدالرحیم بن عبدالکریم (۱۳۹۶). *منتهی الأرب*. تهران: امید مجد.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- طباطبایی، محمدرضا (۱۳۹۶). *صرف ساده*. قم: انتشارات دار العلم.
- طباطبایی، مهشید سادات (۱۳۹۱). «نقش آزمایش‌های دی‌ان‌ای در اثبات نسب از دیدگاه فقه امامیه و حقوق ایران». *مجله فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، ۱۷(۵۶)، ص ۷۴-۴۹.
- طبرسی (شیخ)، ابی‌علی فضل بن الحسن (۱۴۰۸ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفه.
- قبله‌ای خویی، خلیل (۱۳۸۹). *آیات الاحکام (حقوق مدنی و جزایی)*. تهران: سمت.
- قرطبی، ابی‌عبدالله محمد بن احمد بن ابی‌بکر (۱۴۲۷ق). *الجامع لأحكام القرآن*. بیروت: مؤسسه الرساله.
- قرشی بنابی، علی‌اکبر (۱۴۱۲ق). *قاموس قرآن*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قطب، سید قطب (۱۴۱۲ق). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دار الشروق.
- کرمی، محمدتقی و سجادی امین، مهدی (۱۳۸۹). «نقد و بررسی ماده ۳۲ لایحه حمایت از خانواده مصوب ۱۳۸۹ کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی». *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، ۱۲(۴۸).
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- محمدی، مسلم (۱۳۹۲). «تحلیل تفاوت‌های جنسیتی زن و مرد در علوم تجربی و آموزه‌های دینی». *دوفصلنامه انسان‌پژوهی دینی*، ۱۰(۲۹)، ص ۷۱-۸۱.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۷). *میزان الحکمه*. قم: انتشارات دار الحدیث.
- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹). *فرهنگ‌نامه اصول فقه*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مستقیمی، مهدیه سادات (۱۳۸۸). «ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق، در سه حوزه اصول فقه، تفسیر و زبان‌شناسی». *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، ۱۱(۴۳)، ص ۹۲-۱۲۴.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات قرآن الکریم*. صدرا.
- _____ (۱۳۹۷). *اخلاق جنسی در اسلام و غرب*. تهران: انتشارات صدرا.

- _____ (۱۳۹۶). مسئله حجاب. تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۰). تفسیر نمونه. تهران: انتشارات اسلامیة.
- منتسکیو، شارل دو (۱۳۹۱). روح القوانین. ترجمه علی اکبر مهتدی. تهران: امیرکبیر.
- منتظری مقدم، حامد (۱۳۸۴). «گونه‌های ازدواج در عصر جاهلی». مجله تاریخ اسلام در آئینه پژوهش، شماره ۸، ص ۱۲۷-۱۵۶.
- معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ معین. تهران: انتشارات آدنا.
- هیوم، رابرت (۱۳۸۵). ادیان زنۀ جهان. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: نشر علم.
- Hashemian, Mohammad Hossain (2020). *Why Polygamy is Permissible in Islam*, International Conference on Jurisprudence, Law & Religious Research P.12.
- Seraj.ir

